

تبیین نظری بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک و ارائه مدل پیشنهادی^۱

سیدمهدی موسوی شهیدی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

بهادر زارعی* - استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

زهرا پیشگاهی‌فرد - استاد گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

مرجان بدیعی ازندهی - استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

محمود واثق - استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۴

چکیده

هدف از این پژوهش الگویابی مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک میان واحدهای سیاسی است. روابط ژئوپلیتیک روابط میان واحدهای سیاسی در مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای، و جهانی است. بیشتر مفاهیم در رابطه با روابط ژئوپلیتیک معمولاً فقط به ارائه تعریف بسنده کرده‌اند و مشکل یافتن الگوهایی است تا معنای کیفی به روابط ژئوپلیتیک بدهد. بدین منظور، نخست باید مجموعه‌ای از عوامل و مؤلفه‌ها را تعریف کرد که به روابط ژئوپلیتیک منجر می‌شود. شناسایی مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک در این پژوهش بر اساس مطالعه نظریه‌ها و رویکردهایی است که نظریه پردازان و اندیشمندان جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، و محیط زیست ارائه کرده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش بر اساس هدف نظری و بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک میان کشورها بر اساس مطالعه نظریه‌ها و رویکردها در چهار بُعد هیدروپلیتیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، و ژئوکالچر قرار دارد. در این میان بسترها و زمینه‌های هیدروپلیتیک شامل «رودخانه‌های بین‌المللی»، «مرزهای دریایی مشترک»، و «عامل زیست‌محیطی» بسترها و زمینه‌های ژئوپلیتیک شامل «مسائل سرزمینی»، «موقعیت جغرافیایی»، «هژمونی منطقه‌ای»، «رویکرد امنیتی»، «وزن ژئوپلیتیک»، «پیمان‌ها و ائتلاف‌ها»، «کدهای ژئوپلیتیک»، و «همسایگی و تعداد همسایگان» است. بسترها و زمینه‌های ژئواکونومیک شامل «منابع زیرزمینی و فسیلی» و «تنگه‌های بین‌المللی» بوده و بسترها و زمینه‌های ژئوکالچر نیز شامل «تعدد گروه‌های قومی در کشورهای همجوار»، «پیوند مذهبی با کشورهای پیرامونی»، «عامل تاریخی و تمدنی»، و «عامل ایدئولوژیک‌گرایی» است. هر کدام از این مؤلفه‌ها در چندین نظریه و رویکرد مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: روابط ژئوپلیتیک، ژئوکالچر، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک، هیدروپلیتیک.

۱. این پژوهش مستخرج از رساله دکتری با نام «تبیین الگوی روابط ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس» در دانشگاه تهران است.

مقدمه

ژئوپلیتیک مانند جغرافیای سیاسی با مفاهیمی مانند قدرت، سیاست، فضا، مکان، و قلمرو سروکار دارد و تعداد زیادی از فعل‌وانفعالات در این زمینه‌های مختلف را دربر می‌گیرد (جونز و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۷۰). به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک تجزیه‌وتحلیل تعاملات بین چشم‌اندازهای جغرافیایی از یک سو و فرایندهای سیاسی از سوی دیگر است. هم‌چشم‌اندازهای جغرافیایی هم فرایندهای سیاسی پویا هستند و هر یک تحت تأثیر دیگری قرار می‌گیرند. ژئوپلیتیک به پیامدهای این تعاملات می‌پردازد (کوهن، ۲۰۱۴). یکی از موضوعات مهم در ژئوپلیتیک «روابط ژئوپلیتیکی»^۱ است. روابط ژئوپلیتیک بررسی و تجزیه‌وتحلیل تأثیرات مؤلفه‌های جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و روابط بین‌الملل است (دایرةالمعارف بریتانیکا، ۲۰۱۷). به‌طور کلی، روابط ژئوپلیتیکی روابطی هستند که بین کشورها و دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عوامل سیاست، قدرت، و جغرافیا برقرار می‌شوند. بنابراین، درک پدیده‌های خاص که در روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها رخ می‌دهد نیاز به در نظر گرفتن عوامل جغرافیایی دارد (اسکولوبین، ۲۰۱۶: ۴). عامل جغرافیا در روابط ژئوپلیتیکی نقش بستر ساز را ایفا می‌کند و انگیزه‌های لازم را برای شکل‌گیری اراده سیاسی رابطه و نیز تأثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگر را سبب می‌شود (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۳۶۲). از سوی دیگر، شیوه‌های مسلط رفتار میان دولت‌ها به‌واسطه نوع روابطشان با یکدیگر در محدوده طیفی از الگوها شامل «تعامل»^۲، «سلطه»^۳، «نفوذ»^۴، و «رقابت»^۵ و «تقابل»^۶ متغیر است (حسین‌پور پویان، ۱۳۹۲: ۱۱۴). امروزه ژئوپلیتیک، روابط ژئوپلیتیکی، و تحلیل‌های آن بیشتر در مقیاس فراکشوری انجام می‌شود بنابراین، بررسی الگوی روابط ژئوپلیتیک در سه مقیاس بین‌المللی، منطقه‌ای، و جهانی قابلیت بحث و بررسی را دارد. اما موضوعی که بسیار مهم است زمینه‌ها و بسترهای روابط ژئوپلیتیکی است. در این پژوهش مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای روابط ژئوپلیتیکی بر اساس مطالعه نظریه‌ها و رویکردها بررسی می‌شود و نهایتاً بسترها و زمینه‌ها برای ابعاد روابط ژئوپلیتیکی و همچنین مدل پیشنهادی برای زمینه‌های روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها ارائه می‌شود.

مفاهیم نظری پژوهش

۱. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک در قالب دانش جغرافیای سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان توسعه پیدا کرد؛ مفهومی که هدف ساختار فکری آن شناسایی و سامان‌دهی روش‌هایی است که دولت‌ها به کمک آن می‌توانند قدرت خارجی خود را افزایش دهند و در این مسیر از مسائلی مثل توپوگرافی، هیدرولوژی، منابع مربوط به کشاورزی، صنعت، سیستم حمل‌ونقل، و ارتباطات به بهترین شکل ممکن بهره ببرند (گرینفینکل، ۲۰۱۵: ۵۳۳). در واقع، ژئوپلیتیک تجسم جهان به لحاظ مناطق جغرافیایی، منابع طبیعی، و دسترسی به دریاها توسط کشورهای بود که در رقابت با سایر کشورها برای دستیابی به این مناطق و منابع در تلاش بوده و هستند (کلاپسا، ۲۰۱۶: ۵۹). اما با وجود این تنوع در درک، گرایش‌ها، و اهداف ژئوپلیتیکی یک استمرار مهمی نیز در روند تحولی مفهوم ژئوپلیتیک دیده می‌شود: تم‌های پایدار جغرافیایی که از طریق

1. Geopolitical relations
2. Interaction
3. Domination
4. infiltrate
5. Competition
6. Contrast

گفتمان ژئوپلیتیکی از مبدأ خود در اروپای رنسانس جریان دارد و جهان را یک نهاد واحد می‌بیند و کشورهای سرزمینی بازیگران در سیاست‌های جهانی‌اند که به دنبال استراتژی‌های تفوق جهانی هستند (اگنیو، ۲۰۱۳).

۲. روابط ژئوپلیتیک

بیشتر مفاهیم در رابطه با روابط ژئوپلیتیک معمولاً فقط تعاریف کلامی هستند. مشکل یافتن مدل‌هایی است تا معنای کیفی به روابط ژئوپلیتیکی بدهد. بدین منظور، نخست باید مجموعه‌ای از عوامل را تعریف کرد که به روابط ژئوپلیتیکی منجر می‌شود. این روابط می‌توانند میان کشورهای مستقل باشند و گاهی مناطق جداگانه نیز می‌توانند به‌عنوان یک سازه در نظر گرفته شوند. برای ساختن مدلی برای روابط ژئوپلیتیک باید عواملی که به قدرت ملی کشورها منجر می‌شود در نظر گرفته شود و این‌ها می‌تواند شامل عواملی نظیر جغرافیا، جمعیت، مساحت، اقتصاد، عوامل سیاسی، و جنبه‌های نظامی باشد (لوکوو و ماکارنکو، ۲۰۱۷: ۹۲۵-۹۲۶). «روابط ژئوپلیتیک» روابط میان دولت‌ها و بازیگران سیاسی است بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۵). پیتر تیلور^۱ به روابط ژئوپلیتیکی میان دولت‌ها تأکید می‌کند و معتقد است که «ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به‌ویژه روابط بین قدرت‌های بزرگ اصلی» (تیلور و فلینت، ۲۰۰۰: ۳۳۰). به‌طور کلی، روابط ژئوپلیتیک عبارت است از «مطالعه روابط و درگیری‌های بین‌الملل از منظر جغرافیا. به عبارتی مطالعه چشم‌انداز در این تعریف موقعیت، فاصله، و الگوی توزیع منابع طبیعی و انسانی است که تأثیرات مهمی بر روابط ژئوپلیتیک دارد» (برادرن و شلی، ۲۰۰۰: ۵). می‌توان گفت که جغرافیا نقش بسترساز را برای شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها ایفا می‌کند. در این میان بسترها و زمینه‌های جغرافیایی روابط متفاوت‌اند. در این میان برخی اندیشمندان مؤلفه‌های جغرافیایی نظیر موقعیت جغرافیایی، تغییرات آب‌وهوایی، مهاجرت، و مسائل زیست‌محیطی را بسترها و زمینه‌های جغرافیایی روابط ژئوپلیتیک میان کشورها می‌دانند (پیسمننا و همکاران، ۲۰۱۵). ابعاد روابط ژئوپلیتیک در پنج بُعد تعامل، تقابل، نفوذ، رقابت، و سلطه قرار دارد (حسین‌پور پویان، ۱۳۹۲).

تامل	• تعامل ژئوپلیتیک عبارت است از وضعیت امنیتی که توسط مناطق یا گروهی از کشورها کسب می‌شود. یک همگرایی موققت‌آمیز از کاهش افراط‌گرایی به‌طوری که احتمال به‌کاربردن خشونت توسط کشورها برای حل کردن اختلافاتشان کم می‌شود (رژمند، ۲۰۰۰: ۴۲-۴۳).
تقابل	• تقابل ژئوپلیتیکی نوعی از رقابت است که در آن طرفین در عین تلاش و تقلا برای دست‌یابی به منابع کمیاب سعی می‌کنند با تقویت موضع و ارتقای موقعیت و منزلت خود دیگری را از رسیدن به هدف مطلوب بازدارند، منصرف یا خارج کنند (دوتروئی و فالنرگراف، ۱۳۸۳: ۲۸۷).
رقابت	• رقابت ژئوپلیتیکی به وضعیتی اطلاق می‌شود که کشورها و دولت‌ها به‌طور مستمر با یکدیگر در راستای گسترش منافع خود رقابت می‌کنند و به دنبال تغییر نظم موجود به نفع خودشان هستند (بلک سل، ۲۰۰۶: ۵).
نفوذ	• نفوذ ژئوپلیتیکی به‌نوعی منعکس‌کننده سلطه و اقتدار و نتیجه نابرابری قدرت است. نفوذ همان سلطه نامرئی بر فضای جغرافیایی و انسان‌های ساکن در آن است. نفوذ ژئوپلیتیکی عبارت است از ظرفیت و توان یک بازیگر برای تغییر یا تحمیل رفتاری خاص بر بازیگر دیگر در سیستم بین‌المللی (دونکنده، ۲۰۰۴: ۵۳۷).
سلطه	• رابطه ژئوپلیتیکی مبتنی بر سلطه از نامتوازن بودن قدرت کشورها ناشی می‌شود. به‌طوری که رابطه‌ای یک‌سویه و از بالا به پایین بین دولت و بازیگر قوی با دولت ضعیف و کم‌قدرت شکل می‌گیرد و دولت قدرتمند سرنوشت دولت ضعیف را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تعیین می‌کند (بارکر، ۲۰۱۶: ۱۶).

شکل ۱. ابعاد روابط ژئوپلیتیک

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس مطالعه و تحلیل متون

روش پژوهش

این پژوهش به دنبال تبیین نظری بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیکی میان کشورهاست. از دیدگاه نیومن^۱، تبیین‌های نظری چرایی یک رخداد خاص را با ارجاع به ایده‌های عمومی‌تر و اصول انتزاعی در قالب علت و معلول‌ها تبیین می‌کند. این تحقیق بر اساس هدف در زمره «تحقیقات بنیادی» قرار دارد. در تحقیقات بنیادی هدف کشف حقایق و واقعیت‌ها و شناخت پدیده‌هایی است که به افزایش دانش بشری منجر می‌شود. در این پژوهش شناسایی مؤلفه‌ها و زمینه‌های تأثیرگذار بر روابط ژئوپلیتیک آن را در زمره تحقیقات بنیادی قرار می‌دهد. شناسایی مؤلفه‌ها و زمینه‌ها بر اساس مطالعه نوزده نظریه و رویکرد ژئوپلیتیکی، جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، و روابط بین‌الملل ارائه شده است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز در این پژوهش «کیفی» است. پژوهش کیفی درون‌گر، سیاسی، ذهنی، تأملی، تفسیری، نظریه‌سازی، زمینه‌ای، و انسان‌محور است^۲. بنیاد پژوهش کنونی بر این پایه قرار گرفته است که عوامل مفهومی (بسترها و زمینه‌ها) مؤثر در شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیک چه عواملی هستند؟ نوآوری این پژوهش در زمینه شناسایی مؤلفه‌ها و بسترها و ارائه مدلی برای روابط در چهار زمینه (ژئوپلیتیک، ژئوکالچر، ژئواکونومیک، و هیدروپلیتیک) بر اساس مطالعه نظریه‌ها و رویکردهاست که در پژوهشی انجام نگرفته است. درواقع، مطالعه نظریه‌ها و رویکردها نشان می‌دهد که گروهی از اندیشمندان نگرشی هیدروپلیتیکی بر روابط داشته‌اند، گروهی دیگر بر ابعاد ژئوکالچر در روابط تأکید می‌کردند، برخی اندیشمندان بر ابعاد و زمینه‌های ژئواکونومیک در روابط تأکید می‌کردند و نهایتاً گروهی از اندیشمندان بر ابعاد ژئوپلیتیک در روابط تأکید می‌کردند. همچنین، برخی اندیشمندان بر دو بُعد نیز تأکید کرده بودند، اما الگویی که در آن همه چهار بستر و زمینه «ژئوپلیتیک»، «ژئواکونومیک»، «ژئوکالچر»، و «هیدروپلیتیک» و مؤلفه‌های آن‌ها را در شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی با هم مورد مطالعه قرار داده باشد یافت نشده است. این در حالی است که هر کدام از این ابعاد در یک یا چندین نظریه و رویکرد مورد تأکید قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های جغرافیایی روابط ژئوپلیتیک بر اساس مطالعه «نظریه‌ها و رویکردها» استخراج شده است. نتایج حاصل از نظریه‌ها و رویکردها در جدول ۱ ارائه شده است:

1. Neuman, L., 2006, *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*, London: Allyn and Bacon
 2. Patton, 2002; Silverman, 2005; Crotty, 1998.

جدول ۱. نظریه‌ها و رویکردهای روابط ژئوپلیتیک

عنوان نظریه (رویکرد)	نظریه پرداز	مؤلفه‌های اصلی نظریه
هرج و مرج در آینده	کاپلان	در این نظریه بر مسائل زیست‌محیطی، هیدروپلیتیک، بالادادن سطح دریاها، اکولوژی، فرسایش خاک، جمعیت و گروه‌های قومی در شکل‌گیری الگوی روابط تنش‌آمیز میان کشورها تأکید شده است.
بر خورد تمدن‌ها	هانتینگتون	در این نظریه، بیش از هر چیزی بر عامل فرهنگی تأکید شده است. همچنین، این نظریه دو بُعد تعامل و تقابل ژئوپلیتیکی را در بر می‌گیرد. بدین منوال که جوامعی که به هم قرارت فرهنگی دارند با هم تعامل ژئوپلیتیکی خواهند داشت و نهایتاً در سطح منطقه‌ای میان مسلمانان و غیرمسلمانان خطوط گسل ایجاد شده و عاملی برای تقابل ژئوپلیتیکی میان کشورها می‌شود.
نظریه توماس هومر و دیکسون	توماس هومر و دیکسون	در این نظریه بر مسائل زیست‌محیطی، هیدروپلیتیک و کمبود آب، ژئوکالچر و هویت کشورها در شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان کشورها تأکید می‌شود.
ژئواکونومی مناقشات منطقه‌ای	لوتواک جفری کمپ و دیوید هاروی	در این نظریه بر عامل ژئواکونومیک تأکید شده است. تعامل و رقابت میان کشورها دارای ماهیت اقتصادی و ژئواکونومیک است. در این نظریه بر مؤلفه‌های جغرافیایی هیدروپلیتیک، مسائل سرزمینی، مسائل قومیتی، و جمعیت در روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان کشورها تأکید شده است.
هارتلند	مکیندر	در این نظریه تأکید اصلی بر موقعیت کشورهاست. علاوه بر وزن و کدهای ژئوپلیتیک کشورها و وسعت کشورها تأکید شده است.
رویکرد «هنزاعات ژئوپلیتیک»	جان کالینز	در این رویکرد، مؤلفه‌های جغرافیایی نظیر بار استراتژیک مکان‌ها، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، و زمینه‌های زیست‌محیطی منجر به شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان کشورها می‌شود.
ریملند	اسپایکمن	این نظریه نیز موقعیت‌محور است. علاوه بر موقعیت بر وزن ژئوپلیتیکی کشورها، جمعیت، موقعیت ارتباطی، ثبات منطقه‌ای، و کدهای ژئوپلیتیک کشورها تأکید شده است.
قدرت دریایی	ماهان	در این نظریه نیز تأکید اصلی بر موقعیت جغرافیایی کشورهاست. علاوه بر موقعیت، ویژگی‌های طبیعی، طول ساحل، وسعت قلمرو، جمعیت و خصوصیات ملی نیز در این نظریه مورد تأکید قرار گرفته است.
نظریه پیترهاگت منظومه‌های قدرت	پیترهاگت برژینسکی	در این نظریه بر دوازده مؤلفه جغرافیایی، که به شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان کشورها منجر می‌شود، تأکید شده است. در این نظریه بر مؤلفه‌های جغرافیایی نظیر موقعیت جغرافیایی، وضعیت ژئواکونومیک، سازمان‌های منطقه‌ای، وزن ژئوپلیتیکی در روابط میان منظومه‌های قدرت تأکید شده است.
مناقشات مرزی	جان رابرت پرسکات	در این نظریه بر مؤلفه‌های جغرافیایی نظیر مسائل سرزمینی، موقعیت جغرافیایی، مرز جغرافیایی، منابع انرژی، و رودخانه‌های مرزی در شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان کشورها تأکید شده است.
نظام جهانی	والراشتاین	در این نظریه بر مؤلفه‌هایی نظیر موقعیت جغرافیایی کشورها، وزن ژئوپلیتیکی، کدهای ژئوپلیتیک، بار استراتژیک منطقه، تعداد همسایگان، و وسعت کشورها تأکید شده است.
یوردی فون لوهازن	فون لوهازن	در این رویکرد، بر اهمیت موقعیت جغرافیایی، منابع نفت و گاز، و تنگه‌های بین‌المللی در روابط کشورها تأکید شده است.
لوئیز ریچاردسن	ریچاردسن	در این نظریه بیش از هر چیزی بر تعداد همسایگان تأکید شده است. در واقع، نویسنده بر آن است که روابط بین ناحیه‌ای (تعامل، رقابت، و مشاجره) بیش از هر چیزی تابع تعداد همسایگان است.
بیضی استراتژیک انرژی	جفری کمپ	در این نظریه تأکید اصلی بر منابع ژئواکونومیک (نفت و گاز)، موقعیت جغرافیایی، و موقعیت ژئواستراتژیک است.
گفت‌وگوی تمدن‌ها	محمد خاتمی	در این رویکرد تأکید اصلی بر عامل فرهنگی است. در واقع، در این رویکرد رشد و گسترش دیپلماسی و تعاملات میان کشورها از طریق فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست.
عزت‌الله عزتی	عزت‌الله عزتی	در این رویکرد بر عوامل ثابت و متغیر مؤثر در ژئوپلیتیک تأکید شده است. عوامل ثابت شامل موقعیت، فضا، وسعت خاک، هندسه، شکل کشور است و عوامل متغیر شامل جمعیت، منابع طبیعی، و نهادهای سیاسی و اجتماعی.
رضا حسین‌پور پویان	رضا حسین‌پور پویان	در این رویکرد بر بسترهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط تأکید شده است. در این رویکرد بر موقعیت جغرافیایی، سطح متوازن قدرت منطقه‌ای، همسایگی و تعداد همسایگان، منابع جغرافیایی منازعات و همکاری‌ها، وزن ژئوپلیتیکی، کد ژئوپلیتیک، حکومت ایدئولوژیک جایی، بار استراتژیک منطقه، درجه استواری اتحادیه منطقه‌ای، و وزن ژئوپلیتیک تأکید شده است.

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس بررسی و تحلیل متون، نظریه‌ها، و رویکردها

مطالعه نظریه‌ها و رویکردها نشان می‌دهد که گروهی از اندیشمندان نگرشی هیدروپلیتیکی بر روابط داشته‌اند، نظیر کاپلان، هومر دیکسون، جفری کمپ، دیوید هارکاوی، و پیترهاگت. گروهی دیگر بر ابعاد ژئوکالچر در روابط تأکید می‌کردند، نظیر هانتینگتون، جان کالینز، و محمد خاتمی. برخی اندیشمندان بر ابعاد و زمینه‌های ژئواکونومیک در روابط تأکید می‌کردند، نظیر ادوارد ان لوتواک، یوردی فون لوهازن، جفری کمپ، و نهایتاً گروهی از اندیشمندان بر ابعاد ژئوپلیتیک در روابط تأکید می‌کردند، نظیر مکیندر، اسپایکمن، ماهان، لوئیز ریچاردسن، برژینسکی، والراشتاین، عزت‌الله عزتی، و رضا حسین‌پور پویان. اما الگویی که در آن همه چهار بعد «ژئوپلیتیک»، «ژئواکونومیک»، «ژئوکالچر»، و «هیدروپلیتیک» را با هم مورد مطالعه قرار داده باشد یافت نشده است. این در حالی است که هر کدام از این ابعاد در یک یا چندین نظریه و رویکرد مورد تأکید قرار گرفته است. در این میان، هر یک از این متغیرها دارای چند عامل‌اند که در پی می‌آیند:

۱. عوامل ژئوکالچر

وجود بسترهای فرهنگی مشترک مبنایی برای شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی تعامل‌آمیز است. درحالی‌که خطوط جداکننده نژادهای انسانی بستری برای برخورد علایق فرهنگی و سبک‌های زندگی متفاوت هستند و روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان گروه‌های قومی و مذهبی را به‌وجود می‌آورند (سوگان، ۱۹۹۶: ۶۴). در هنگام بروز منازعه ژئوپلیتیکی بر سر منافع فرهنگی و آداب و رسوم کشورها با یکدیگر، افتخارکردن به دودمان و نژاد موجب خصومت‌های طولانی می‌شود، زیرا علایق نژادی در حقیقت از دیگر علایق محکم‌تر است. در این رابطه هانتینگتون بر آن است که سرچشمه بنیادین تعارض در جهان پس از جنگ سرد ایدئولوژیکی یا اقتصادی نخواهد بود، بلکه شکاف‌های عمده در میان نوع بشر و سرچشمه اصلی مناقشات و تعارض‌ها عوامل فرهنگی خواهد بود. کشور (ملت‌ها) قدرتمندترین کنشگران در امور جهانی باقی خواهند ماند، اما تعارضات اصلی سیاست جهانی میان ملت‌ها و گروه‌هایی از تمدن‌های مختلف با فرهنگ‌های متفاوت رخ خواهد داد (هانتینگتون، ۱۹۹۳: ۲۲). مهم‌ترین زمینه‌های ژئوکالچر، که بر روابط ژئوپلیتیکی کشورها تأثیر گذارند، عبارت‌اند از: «تعدد گروه‌های قومی در کشورهای همجوار»، «اشتراکات و تفاوت‌های مذهبی»، «تعامل‌ها و تقابل‌های تاریخی و تمدنی میان کشورها»، و «عامل ایدئولوژیک گرای».

تعدد گروه‌های قومی در کشورهای همجوار

در شرایط فعلی جهان دست‌خوش تغییرات گسترده شده است و بسیاری از پژوهش‌های علمی حول محور نظام جهانی و پیدایش «دهکده جهانی» متمرکز شده و کمتر به روند معکوسی که در حال وقوع است، یعنی احساسات فرهنگی، قومی، زبانی، و محلی در سراسر جهان توجه می‌شود. در این میان هویت قومی، که برآمده از گرایش‌ها، تعلق‌ها، مناسک، و آداب خاص هر قوم بوده و در جهت‌گیری‌ها و ایفای نقش در عرصه‌های مختلف مؤثر است، به‌عنوان یکی از عمده‌ترین چالش‌های نظام جهانی مطرح می‌شود (اشلفی، ۱۳۹۰: ۴۷۸). اما آنچه مسلم است جابه‌جایی و بقای قومیت‌ها در نظام جهانی همچنان ادامه داشته و قومیت‌ها همچنان در نظام جهانی پابرجا مانده و هنوز با همه تکاپویی که برای شالوده‌ریزی و فرهنگ‌های منطقه‌ای و جهانی انجام گرفته است به حیات خود ادامه می‌دهند. حکومت ملت- پایه نیز در این فرایند روز به روز کوچک‌تر می‌شود و اهمیت و کارآمدی قومیت‌ها تضمین‌کننده دوام و بقای آن‌ها در آینده است. در مجموع، می‌توان گفت که قومیت بر مرزهایی دلالت دارد که بر مبنای تبارشناسی‌های مشترک و ویژگی‌های فرهنگی از قبیل زبان، دین، آداب، ارزش‌ها، سنت‌ها، نمادها، تاریخ، فرهنگ، مردم، و اصالت جغرافیای مشترک ساخته شده‌اند. به‌طوری‌که، تلاش‌های وسیعی از حیث سیاسی برای فرایندهای یکپارچه‌سازی اروپا صورت می‌پذیرد، در جهتی دیگر بسیاری از نمادهای محلی که با ملی‌گرایی قومی پیوند خورده است مستقیماً به جنگ‌های خونین سرزمینی منجر می‌شود، نظیر آنچه در بالکان و قفقاز رخ داده است (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۱۹۶۷)، که این خود نشان‌دهنده شکل‌گیری و برجسته‌تر شدن مرزهای جدیدی در جهان در قالب مرزهای قومیتی می‌شود که الگوی روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان کشورها را افزایش می‌دهد. به‌عنوان مثال، در این زمینه می‌توان به اختلافات اخیر بین «عراق و ترکیه» و «ترکیه و سوریه»- که ناشی از مسائل قومیتی کردها در امتداد مرزهای دو کشور است- اشاره کرد. که طرفین یکدیگر را به کم‌کاری در کنترل مرزها، تعرض به سرزمین مقابل، و غیره متهم می‌کنند. همچنین، باید توجه داشت که این مسائل قومیتی در امتداد مرزها می‌تواند زمینه تعامل ژئوپلیتیکی دو کشور همسایه برای کنترل قومیت و مسائل چالش‌زای ناشی از آن‌ها را فراهم کند.

پیوند مذهبی با کشورهای پیرامونی

تأثیر مذهب بر روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها نیز به صورت یک مؤلفه بسیار مهم است. در اروپا- منطقه‌ای که همیشه تصور می‌شد به طور قطع در حال سکولاریزه شدن است- جنگ داخلی بوسنی- هرزگوین که در اوایل دهه ۱۹۹۰ میان کروات‌ها، صربی‌ها، و بوسنیایی‌ها آغاز شده به تعارضات مذهبی بالفعل و واقعی تبدیل شد و مذهب زمینه‌ای برای شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیک تنش‌آمیز میان این کشورها شد. بیشتر رزمندگان خود را در قالب‌های مذهبی و فرهنگی معرفی می‌کردند و، به جای یافتن متحدانی ایدئولوژیک، پیوندهای مذهبی را با آلمان، روسیه، و جهان عرب و مسلمان تحریم کردند (وایت و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۳۰). درگیری‌های مذهبی در عراق بین شیعه و سنی و مثال‌های دیگر در این زمینه را می‌توان ذکر کرد که خود نشان‌دهنده برجسته‌تر شدن و احیای این نوع مرزبندی‌ها و اختلافات و کشمکش‌های ژئوپلیتیکی در بین انسان‌ها و کشورها در جهان معاصر است. بر این اساس، می‌توان گفت در جهان امروز نمونه‌های بسیاری از اختلافات مربوط به عوامل مذهبی وجود دارد که به صورت‌های مختلف روابط ژئوپلیتیک فی‌مابین کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله این اختلافات می‌توان به مبارزات ارضی در کشمیر بین هند و پاکستان، ایرلند شمالی، و غیره اشاره کرد. در خلیج فارس شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان ایران و عربستان متأثر از گروه‌های مذهبی شیعه و سنی موجود در دو کشور بوده است و مذهب به عنوان یک مؤلفه کلیدی در روابط ژئوپلیتیک دو کشور به ایفای نقش پرداخته است.

عامل تاریخی و تمدنی

وجود رقابت‌های تاریخی- تمدنی بین کشورها رقابت بین کشورهای متعلق به یک حوزه تمدنی بر سر رهبری آن سازه تمدنی همواره زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی میان کشورهاست. پیوندهای تاریخی و تمدنی به شکل‌گیری تعامل ژئوپلیتیکی منجر می‌شود. در این زمینه می‌توان به پیوندهای تاریخی و تمدنی ایران و پاکستان به عنوان مثال نگاه کرد. در این دو کشور عوامل متعددی نظیر تاریخ، شباهت فرهنگی، و رسوم مشترک وجود دارد که گویای علائق و روابط ژئوپلیتیکی دو کشور است. ریشه روابط ایران و پاکستان به درازای تاریخ دوره سند است (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۴۶). گاهی زمینه‌های تاریخی و تمدنی به رقابت و تعارضات ژئوپلیتیکی میان کشورها منجر می‌شود. مثلاً، دو تمدن ایران و سامی، که در حال حاضر دو کشور ایران و عربستان داعیه‌دار آن‌اند، در طول تاریخ با یکدیگر در حال رقابت بوده‌اند. این دو تمدن در طول تاریخ ۱۳۰۰ به طور پایدار در تنش و منازعه بوده‌اند. غلبه تمدن سامی پس از ورود اسلام به ایران نگرش مافوق و مادون اعراب نسبت به ایران را تقویت کرد. از سوی دیگر، ایرانیان با تکیه بر تاریخ و تمدن کهن خود نگرش اعراب را به چالش کشیده‌اند (بارنت، ۱۹۹۸: ۲). علاوه بر آن، عربستان به دلایل مختلف، موقعیت الگویی در ارتباط با دیگر کشورهای عربی داشته (واعظی، ۱۳۸۶). این موقعیت الگویی با تکیه بر پیشینه رقابت تمدنی به دیگر فضای عربی نیز سرایت خواهد کرد و زمینه‌ای برای تعامل ژئوپلیتیکی میان این کشورها می‌شود.

عامل ایدئولوژیک گرایی

از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی یک کشور و شکل‌گیری الگوهای روابط میان کشورها باورها و پندارهای تصمیم‌گیران یا همان ایدئولوژی حاکم بر افکار آنان است. ایدئولوژی باعث هدایت انسان‌ها به سوی جنبه‌های متعالی انسان، ثروت، قدرت، اعتبار، انزوا، و غیره می‌شود (قوام، ۱۳۸۴: ۱۳۶). امروزه، ایدئولوژیک‌گرایی به عنوان یک عامل مهم در روابط ژئوپلیتیکی کشورها به ایفای نقش می‌پردازد و به شکل‌گیری الگوهای روابط منجر می‌شود. ایدئولوژی می‌تواند عامل نفوذ ژئوپلیتیکی در کشورهای دیگر باشد، مانند شوروی سابق که با استفاده از ایدئولوژی

سوسیالیسم موفق به نفوذ در کشورهای دیگر از جمله کوبا، چین، ویتنام، و برخی دیگر از کشورها شد. ایدئولوژی می‌تواند عاملی برای تعامل ژئوپلیتیک باشد، مانند کشورهای سوسیالیسم که حول پیمان ورشو گرد هم آمده بودند. عامل ایدئولوژیک همچنین می‌تواند به تنش ژئوپلیتیک میان کشورها منجر شود. جنگ‌های بالکان، حزب‌الله لبنان - اسرائیل، عراق - ایران، ایالات متحده آمریکا و ویتنام، ایالات متحده آمریکا - کوبا دارای رویه و ظاهر ایدئولوژیک بوده‌اند. ایدئولوژیک‌گرایی در شکل‌گیری رقابت و تقابل ژئوپلیتیکی ایران و عربستان پس از انقلاب اسلامی ایران نیز تأثیر مستقیم داشته است. مؤلفه‌های ایدئولوژیک دو کشور نیز شامل تضادهای ایدئولوژیک میان تشیع و وهابی، شیعه‌ستیزی عربستان در مقابل شیعه‌گستری ایران، وهابیت‌ستیزی ایران در مقابل وهابیت‌گستری عربستان، دیدگاه‌های متفاوت نسبت به کشورهای غربی، و تقابل دو کشور بر سر رهبری جهان اسلام در شکل‌گیری رقابت و تنش ژئوپلیتیکی دو کشور در منطقه تأثیر مهمی داشته است. همچنین، تقابل ژئوپلیتیکی اسلام شیعی و نیز اسلام انقلابی با اسلام سنی ارائه شده در چارچوب نظام‌های سکولار آسیای مرکزی و قفقاز را باید یکی از مهم‌ترین عوامل واگرایی ایران با کشورهای این منطقه به‌شمار آورد که نشان‌دهنده اهمیت ایدئولوژی در روابط ژئوپلیتیکی کشورهاست (نصرتی، ۱۳۹۵: ۸۴).

۲. عوامل ژئوپلیتیک

منظور از عوامل ژئوپلیتیکی عوامل و مسائل ژئوپلیتیکی شامل «مسائل سرزمینی»، «موقعیت جغرافیایی»، «همسایگی»، «کدهای ژئوپلیتیک»، «ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای»، «رویکرد امنیتی»، «بار استراتژیک مکان‌ها و منطقه»، و «پیمان‌ها و ائتلاف‌ها» است که در بروز روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها نقش آفرین‌اند.

مسائل سرزمینی (اختلافات ارضی، ادعاهای ارضی، مسائل عملکردی مرز)

مسائل سرزمینی شامل اختلافات ارضی، ادعاهای ارضی، اختلافات مرزی، و مسائل عملکردی مرز از زمینه‌های جغرافیایی تأثیرگذار در روابط ژئوپلیتیکی کشورهاست. اختلافات سرزمینی حالتی است که در آن یک کشور ادعای حق مالکیت و حاکمیت بر بخش‌هایی از سرزمین کشور دیگری را دارد. ممکن است که کشورها ادعاهای مرزی علیه همسایگان خود را به‌منظور افزایش قدرت خویش از طریق تملک سرزمین بیشتر مطرح کنند یا امکان دارد که اختلافات مرزی را به‌عنوان ابزاری در سیاست خارجی خود مطرح کنند (پرسکات، ۱۹۸۷: ۱۱۴). مسائل سرزمینی و ارضی گاهی به شکل‌گیری تعامل ژئوپلیتیکی میان کشورها منجر می‌شود. مثلاً، ترسیم مرزهای دریایی ایران و عربستان در محدوده خلیج فارس گاهی مسائل سرزمینی و مرزی مبنایی برای شکل‌گیری رقابت ژئوپلیتیکی می‌شود و نهایتاً در رایج‌ترین حالت مسائل سرزمینی مبنایی برای شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان کشورها می‌شود. اختلاف بر سر کنترل و مالکیت سرزمین از مهم‌ترین عوامل معمول مناقشات ژئوپلیتیکی میان کشورهاست. بخش عمده‌ای از مناقشه اعراب و اسرائیل - که به مدت پنجاه سال گذشته بر ژئوپلیتیک خاورمیانه سلطه داشته است - از اختلافات سرزمینی اسرائیل با همسایگانش سرچشمه می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به مناقشه‌های طولانی و مستمر بین اسرائیل با فلسطین، اسرائیل با سوریه، اسرائیل با لبنان، عراق با کویت، عراق با ایران، ایران با امارات متحده عربی، عربستان و قطر، قطر با بحرین، عربستان با یمن، کویت و عربستان را بر سر اختلافات سرزمینی و مرزی و ادعاهای ارضی نسبت به قلمرو یکدیگر اشاره کرد.

موقعیت جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی کشور از عوامل تأثیرگذار در ژئوپلیتیک آن کشور محسوب می‌شود. به این دلیل، جغرافیا را از کلیدهای اصلی گشودن رمز سیاست دفاعی و استراتژیک می‌دانند (گارت، ۱۹۸۷: ۸) و برخی از این هم فراتر رفته و بر آن‌اند که سیاست هر کشور را جغرافیای آن کشور تعیین می‌کند. مقصود از موقعیت جغرافیایی هم اشاره به وضعیت «جغرافیایی» است هم «استراتژیک». موقعیت جغرافیایی است که مشخص می‌کند یک کشور جزو قدرت‌های دریایی، کشورهای محصور در خشکی، یا برخوردار از امتیاز ساحلی بودن است (روشندل، ۱۳۸۷: ۴). هانس مورگنتاو بر دائمی بودن عامل ژئوپلیتیک تأکید می‌کند و بر آن است که از پایدارترین عواملی که قدرت کشور مبتنی بر آن است موقعیت جغرافیایی آن است (اطاعت، ۱۳۷۶: ۲۶). موقعیت جغرافیایی کشورها می‌تواند بستر ساز تعامل ژئوپلیتیکی، رقابت، و منازعه ژئوپلیتیکی میان کشورها شود. کشورهای محصور در خشکی نیاز به ارتباط با دنیای خارج از خود دارند. برخی هم برای رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری و جنگی به آبراهه‌ها و تنگه‌ها نیازمندند که در قلمرو خودشان نیست. بنابراین، تلاش کشورهای نیازمند برای دسترسی به این زمینه‌ها از سویی و تلاش دارندگان این گذرگاه‌ها برای بهره‌مندی بیشتر از سوی دیگر می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای متفاوت روابط ژئوپلیتیک میان کشورها منجر شود. در این میان، منازعه ژئوپلیتیکی بر سر موقعیت بیشتر در مناطقی یافت می‌شود که مرزهای بین‌المللی بین کشورها از نوع مرزهای قبل از سکونت یا مرزهای تحمیلی باشند یا در جاهایی که توافق بر سر خطوط مرزی بین دو کشور قبل از تطبیق آن با نقشه‌ها و اسناد معتبر و صحیح صورت گرفته باشد (بکینسل، ۱۹۶۹: ۹۷۴).

هژمونی منطقه‌ای

هژمونی به معنای سلطه بر نظام بین‌الملل است که به معنای یک قدرت فائقه جهانی است. این مفهوم اما احتمال دارد برای یک منطقه جغرافیایی خاص نیز به کار رود. در نتیجه، می‌توان میان هژمون جهانی که بر کل جهان تسلط دارد و هژمون منطقه‌ای که بر یک منطقه جغرافیایی ویژه مسلط است تفکیک قائل شد (مرشایمر، ۲۰۰۱: ۳۵). در صورت پیداشدن یک هژمون بالقوه در منطقه احتمال دارد دیگر قدرت‌های بزرگ منطقه بدون کمک هژمون‌های مناطق دیگر با او مقابله کنند و نیازی به حضور هژمون‌های دیگر مناطق برای مقابله با هژمون بالقوه نوظهور نباشد. البته، اگر قدرت‌های بزرگ محلی توان مقابله با قدرت نوظهور را نداشته باشند، هژمون‌های مناطق دیگر برای مقابله با هژمون بالقوه عمل می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۰۷). شرایط مطلوب برای هر دولتی این است که تنها هژمون منطقه‌ای در جهان باشد. دولتی که تنها هژمون جهان باشد مایل است وضعیت موجود در جهان حفظ شود. اما اگر یک هژمون منطقه‌ای از جانب رقیبی هم‌تراز تهدید شود دیگر تمایلی به حفظ وضع موجود ندارد و ممکن است تصمیم به تضعیف یا حتی از میان بردن رقیب کند. هر دو هژمون منطقه‌ای بر این اساس و منطق به شرایط خواهند نگریست و این مسئله «الگوی روابط ژئوپلیتیکی رقابت‌آمیز» را میان طرفین ایجاد می‌کند که احتمال دارد به بروز «تنش ژئوپلیتیکی» میان دو دولت منجر شود. مثلاً، ایران و عربستان در کشورهای بحرین، عراق، یمن، لبنان، و فلسطین با یکدیگر از طریق عوامل خود در حال رقابت ژئوپلیتیکی‌اند. ایران و عربستان در کشورها و حوزه‌های ذکرشده در حال افزایش قدرت خود و تضعیف طرف مقابل‌اند تا از این طریق امنیت خود را ارتقا دهند و به جایگاه هژمونی منطقه‌ای دست یابند. روابط ژئوپلیتیکی رقابت‌آمیز و تنش‌آمیز میان هند و پاکستان در منطقه آسیای جنوبی در راستای کسب هژمونی منطقه‌ای نیز مصداقی برای این عامل است.

همسایگی

عامل همسایگی بر نقش همسایگی و تعداد همسایگان در روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها تأکید می‌کند. در این زمینه ریچاردسن بر آن است که میزان تهدیدهایی که خارج از فضای سرزمینی یک کشور را هدف قرار می‌دهند تحت تأثیر همسایگی یا تعداد همسایگان است. در واقع، امنیت ملی در هر کشوری از نظر تهدیدها از محیط پیرامونی تابع تعداد دولت‌ها و کشورهای همجوار است و در بیشتر موارد هر چه تعداد همسایگان بیشتر باشد تأکید دولت و مردم بر مسائل امنیتی بیشتر خواهد بود. در نقطه مقابل، کشورهایی که دارای مرزهای دریایی بیشتری هستند و همسایگان کمتری دارند با مشکلات مرزی کمتری مواجه می‌شوند و بهتر می‌توانند امنیت و استقلال خود را تأمین کنند (براملر، ۲۰۰۷: ۱۶). مطالعات نشان می‌دهد که اغلب تقابل‌ها و جنگ‌های بین سال ۱۹۴۵-۲۰۰۰ در کشورهایی رخ داده است که حداقل دارای چهار همسایه بوده‌اند. چین-هند، ایران-عراق، مصر-اسرائیل، ویتنام-چین، عراق-کویت نمونه‌هایی از این تقابل‌ها می‌باشند (حسین‌پور پویان، ۱۳۹۲: ۱۷۸). در نقطه مقابل یکی از عوامل امنیت و استقلال کشورهایی نظیر استرالیا، آمریکا، و کانادا تعداد کم همسایگان آنهاست (های، ۲۰۰۲: ۱۲). به‌طور کلی، می‌توان گفت که تعداد همسایگان نقش کلیدی در شکل‌گیری الگوهای روابط ژئوپلیتیکی از تعامل تا تقابل را فراهم می‌کند. در این رابطه اختلافات ارضی و مرزی، اختلاف بر سر منابع مشترک نفتی، حقایق رودخانه‌های مرزی، برخوردهای ایدئولوژیک و مسائل عملکرد مرز بیشتر در بین کشورهای همسایه قابل لمس است (های، ۲۰۰۲: ۱۳). مورگان در این رابطه تأکید می‌کند که بیشتر تنش‌های شدید و ناگوار ریشه در سرزمین، قومیت، و مذهب داشته و در رابطه با کشورهای همسایه است (مورگان، ۱۹۹۷: ۲۹).

رویکرد امنیتی

امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود. از طرفی، سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت برای کشورهاست. بنابراین، سطح منطقه‌ای به‌عنوان سطح تحلیل مناسب شناخته می‌شود. بوزان و ویور بر آن‌اند که امنیت منطقه‌ای هر دو مؤلفه ملی و جهانی را در خود دارد؛ هم وابستگی متقابل امنیتی لحاظ شده است هم از گستردگی بیش از حد گستره امنیت اجتناب شده است (بوزان و ویور، ۱۳۸۶: ۵۴). امروزه، مناطقی که دارای «موقعیت ژئوپلیتیک»، «ژئواکونومیک»، و «ژئواستراتژیک» مهمی می‌باشند می‌توان آن‌ها را یک مجموعه امنیتی شناسایی کرد. در این راستا عوامل مختلفی پیوستگی و وابستگی متقابل بین کشورها و بازیگران منطقه را ایجاد می‌کنند و به شکل‌گیری الگوهای روابط ژئوپلیتیکی کشورهای واقع در یک منطقه منجر می‌شود. در این میان، داشتن رویکرد امنیتی مشترک به منطقه به شکل‌گیری تعامل ژئوپلیتیکی میان کشورها در راستای شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای منجر می‌شود. رویکرد امنیتی متفاوت در میان کشورها به شکل‌گیری رقابت ژئوپلیتیکی میان کشورهای یک منطقه منجر می‌شود و درنهایت رویکرد امنیتی متعارض به شکل‌گیری تنش ژئوپلیتیکی میان کشورها منجر می‌شود. مثلاً، می‌توان رویکردهای امنیتی کشورها در منطقه خلیج فارس را به سه دسته تقسیم کرد: کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران که خواهان تغییر وضع موجودند. ایران شرایط حاکم بر خلیج فارس را نمی‌پذیرد و بر آن است که این سیاست‌ها بر اساس خواست و مواضع قدرت‌های فرامنطقه‌ای شکل گرفته است و رویکرد ایران به رقابت ژئوپلیتیکی میان ایران و کشورهای عربی در منطقه منجر شده است. شش کشور جنوبی حوزه خلیج فارس خواهان حفظ وضع موجودند؛ زیرا این کشورها توانایی مدیریت بحران‌های امنیتی داخلی و منطقه‌ای را ندارند. بنابراین، حضور قدرت‌های بیگانه را عامل مهم امنیت ملی و منطقه‌ای خود محسوب می‌کنند. رویکرد کشورهای عرب منطقه به استثنای عراق به

تعامل ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه جنوبی منطقه و رقابت و تعارض ژئوپلیتیکی آن‌ها با ایران منجر می‌شود. کشور عراق در گذشته و حتی تاکنون برداشت متفاوتی از امنیت منطقه خلیج فارس داشته است. عراق در میان کشورهای منطقه خلیج فارس موقعیت و وضعیت جغرافیایی نامطلوبی در خلیج فارس دارد که بر روی نگرش‌های امنیتی‌اش از زمان قبل از حاکمیت حزب بعث تاکنون تأثیر گذاشته است که مصداق‌های آن تنش ژئوپلیتیکی با ایران و کویت بوده است.

بار استراتژیک منطقه

بار استراتژیک منطقه بر نقش حساس و استراتژیک مناطق در شکل‌گیری الگوهای روابط ژئوپلیتیکی تأکید می‌کند (حسین پورپویان، ۱۳۹۰: ۱۱۳). به‌طور کلی، می‌توان گفت که از نظر فلسفی این فضاها نقاطی هستند که دارای ارزش و امتیازات قوی‌ترند و بر این مبنای قادرند الگوهای روابط ژئوپلیتیکی را میان کشورها به ارمغان بیاورند. کالینز بر آن است که مناقشات مرزی میان کشورها در ابعاد مختلف، ادعاهای سرزمینی به قلمرو سایر کشورها، رقابت بر سر کنترل نقاط حساس و استراتژیک در زمره منازعات استراتژیک قرار می‌گیرد (کالینز، ۱۹۹۸: ۲۹۰). امروزه، دستیابی به امتیازات جغرافیایی نهفته در برخی مناطق جهان یکی از عوامل بنیادین و قوام‌بخش تداوم روابط ژئوپلیتیکی رقابت‌آمیز در سطح جهان است که بر مبنای دسترسی به آن‌ها حکومت‌ها قادر خواهند بود پایه‌های قدرت خود را بهبود بخشند و ارزش‌های قدرت‌آفرین، رقابت‌آفرین، و امنیت‌آفرین این مکان‌ها و مناطق در مقیاس جهانی سبب اهمیت استراتژیک آن‌ها می‌شود (لشکری تفرشی، ۱۳۹۱: ۹۲). رقابت و مشاجره ایران و امارات متحده عربی بر سر کنترل جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک، و ابوموسی مصداقی برای نشان‌دادن اهمیت نقاط در روابط ژئوپلیتیکی کشورهاست. از سوی دیگر، رقابت قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا، روسیه، و چین در خلیج فارس و آسیای پاسیفیک نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک مناطق در روابط ژئوپلیتیکی کشورهاست.

پیمان‌ها و ائتلاف‌ها

پیمان‌ها از مجموعه‌ای از منافع کشورها که ممکن است مکمل یا مشابه یکدیگر باشند بروز می‌کند و دستیابی به این منافع نیازمند هماهنگی کشورهاست. امروزه، شکل‌گیری پیمان‌ها گامی در راستای گسترش «تعاملات ژئوپلیتیکی» میان کشورهاست، اما شکل‌گیری پیمان به معنای تحقق کامل تعامل نیست و گاهی پیمان‌ها و ائتلاف‌ها به «رقابت و تعارض ژئوپلیتیکی» میان کشورها منجر می‌شود؛ بدین صورت که پیمان‌ها و رقابت مفاهیمی مرتبط مهمی هستند، زیرا در رقابت زمانی که اهداف و نیت یک دشمن مشخص نیست شامل درخواست برای تضمین امنیت است. پیمان‌ها تقریباً همیشه همراه با حرکت طرف منازعه به مرحله تشدید رقابت می‌رسند و هدف همیشگی آن‌ها استفاده از قدرت برای مدیریت مشکلات است. از این رو، مشکلات امنیتی را به همراه می‌آورند (والریانو، ۲۰۰۳: ۵۴-۵۷). در زمینه رقابت ژئوپلیتیکی، یک پیمان ممکن است دو کشور را با فعال کردن مشکلات امنیتی مقابل هم قرار دهد. درواقع، هدف کشور از پیمان مقابله با تهدید است. این موضوع می‌تواند نامنی ایجادشده را افزایش دهد و کشورها را به دشمن و رقیب یکدیگر تبدیل کند. مورگنتا نیز در ارتباط با نقش پیمان‌های دفاعی در شکل‌بندی قدرت ملی کشورها تأکید می‌کند که «رابطه حکومت‌ها با ساختار ژئوپلیتیکی جهانی و پیمان‌سازی کیفیتی پویا دارد و با تحولات قدرت تغییر می‌کند» (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۴۵-۴۷). بنابراین، شکل‌گیری تعاملات ژئوپلیتیکی میان کشورها در قالب پیمان‌ها و اتحادیه‌ها گامی در راستای تحقق امنیت و منافع کشورهاست. در حال حاضر، اتحادیه اروپا، آسیای جنوب شرقی، و امریکای شمالی - که از هماهنگی و اتحادیه‌های امنیتی و اقتصادی برخوردارند - کمترین تعارضات درونی را نسبت به دیگر مناطق جهان تجربه کرده‌اند. در

نقطه مقابل، فقدان اتحادیه‌ها گامی در راستای گسترش الگوی روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان کشورها می‌شود. پاناما، افغانستان، عراق، سومالی، و یوگسلاوی- که مورد حمله آمریکا قرار گرفته‌اند، در مناطقی قرار دارند که این مناطق فاقد تشکلات مناسب برای همکاری امنیتی و دفاعی‌اند.

وزن ژئوپلیتیکی

قدرت یکی از رایج‌ترین اصطلاحات در ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی محسوب می‌شود. الکساندر دوگین به این موضوع تأکید کرد و بر آن است که «ژئوپلیتیک جهان‌بینی قدرت است؛ علمی در مورد قدرت و برای قدرت» (دوگین، ۱۹۹۷: ۱۳). قدرت ملی، به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، برآیند توانایی‌ها و مقدرات دولت-ملت است که ناشی از وزن ژئوپلیتیکی آن است. وزن ژئوپلیتیکی کشورها نه تنها واقعیت‌هایی که ماهیت جغرافیایی دارند نظیر واقعیت‌های منطقه، مکان، تعیین مرزها، ارتش، سازمان، قلمرو، حقایق جمعیت (تراکم، توزیع، و ساختار اجتماعی) را شامل می‌شود، بلکه مفاهیم روان‌شناختی یا اخلاقی (فرهنگ، آموزش نخبگان، و کادرها) و واقعیت‌های مذهبی را دربر می‌گیرد (چولی، ۲۰۰۲: ۷۶-۷۷). همه عوامل و مبنای که در قدرت ملی کشورها تأثیرگذارند در وزن ژئوپلیتیک نیز مؤثرند. با این تفاوت که در وزن ژئوپلیتیک بر عوامل جغرافیایی قدرت ملی نظیر موقعیت جغرافیایی، موقعیت نسبی سرزمینی، وسعت سرزمینی همراه با نیروی انسانی بالا و متخصص، منابع طبیعی و استراتژیک و در مجموع بر کلیه توانمندی‌های توسعه در فضای سرزمینی تأکید بیشتری می‌شود. از این رو، دیپلماسی و قدرت چانه‌زنی که به تعبیر مورگنتاو مغز متفکر قدرت ملی است تا حدود زیادی به توان و وزن ژئوپلیتیک کشورها در عرصه نظام بین‌المللی وابسته است (حسین‌پور پویان، ۱۳۹۰: ۱۰۹). وزن ژئوپلیتیکی در روابط ژئوپلیتیکی کشورها تأثیر مستقیم دارد؛ بدین صورت که کشورهایی که دارای وزن ژئوپلیتیکی یکسانی هستند الگوی رقابت ژئوپلیتیکی بین آن‌ها شکل می‌گیرد. کشورهایی که دارای وزن ژئوپلیتیکی بالاتری هستند ابتکار عمل در روابط در اختیار آن‌ها است و امکان شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی نفوذ و سلطه وجود دارد. در مقابل، همسانی وزن ژئوپلیتیکی امکان شکل‌گیری تعامل و تقابل ژئوپلیتیکی را فراهم می‌آورد.

کدهای ژئوپلیتیک

کد ژئوپلیتیک مجموعه‌ای سازمان‌یافته از تصورات و فرضیات سیاسی-جغرافیایی را، که پایه و اساس سیاست خارجی هستند، تشریح می‌کند (گادیز، ۱۹۸۲: ۳۷). بنابراین، کدهای ژئوپلیتیک در واقع مبنا و اساسی برای شکل‌گیری سیاست خارجی محسوب می‌شود و زمینه را برای شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها فراهم می‌کند (حسین‌پور پویان، ۱۳۹۰: ۱۱۲). درک این مهم با نگاهی به کدهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا توسط بازیگران امکان‌پذیر است. کدهای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ایران و عربستان در سوریه، عراق، و بحرین به شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی رقابت‌آمیز و تقابل‌آمیز در این کشورها شده است. در سوریه، به‌رغم فروکش کردن بحران‌ها در سال ۲۰۱۴، همچنان این دو کشور به دنبال تأمین منافع خود در این کشور هستند. وقوع جنگ کوبانی در نتیجه حمله گروه داعش به این شهر به تقابل ژئوپلیتیکی ایران و عربستان منجر شده است؛ به طوری که ایران در راستای حفظ تمامیت ارضی و از بین بردن گروه تروریستی داعش تلاش می‌کند و عربستان در راستای تقویت داعش و به خطر انداختن امنیت حکومت سوریه تلاش می‌کند. علاوه بر سوریه، کدهای ژئوپلیتیک ایران و عربستان در بحرین نیز به شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی رقابت‌آمیز در بحرین منجر شده است، زیرا این کشور از لحاظ جغرافیایی و مسائل هویتی برای طرفین به‌عنوان منطقه نفوذ قلمداد می‌شود. در عراق مؤلفه‌های وجود گروه‌های سنی و شیعه در این کشور، تروریسم و شکل‌گیری داعش در این کشور، و

تلاش دو کشور ایران و عربستان برای نزدیکی به هیئت حاکم بر عراق و تأثیرگذاری بر آن در کدهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای ایران و عربستان تأثیرگذارند و به رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در این کشور منجر شده است. مجموعه این عوامل نشان می‌دهد که کدهای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ایران و عربستان در سوریه و بحرین و عراق و یمن به شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی رقابتی و تقابلی‌آمیز در این کشورها منجر شده است.

۳. ژئواکونومیک

اصطلاح ژئواکونومیک عبارت است از: «ترکیبی از عوامل اقتصادی و جغرافیایی که بر تجارت بین‌الملل تأثیرگذارند». به عبارت دیگر، «یک سیاست دولتی که توسط اقتصاد جغرافیایی هدایت می‌شود» (ماریام وبستر، ۲۰۱۹). در واقع، ژئواکونومیک استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیک است. می‌توان گفت که ژئواکونومیک تعامل بین «اقتصاد بین‌الملل»، «ژئوپلیتیک»، و «استراتژی» است (پتسینگر، ۲۰۱۶: ۲۵). با پایان جنگ سرد و تغییر مفهوم قدرت از سیاست به اقتصاد در جغرافیای سیاسی، واژه ژئواکونومیک به کار گرفته شد که در آن بر نقش منابع اقتصادی و منابع طبیعی در روابط کشورها تأکید شد (سالین، ۲۰۱۲: ۶۲). در این میان، جغرافی‌دانان سیاسی نظیر استورات کوربریچ و جان اگنیو بیشتر از دیگران بر رابطه بین جغرافیا با مسائل اقتصادی و تأثیر آن بر سلطه و وابستگی سیاسی معتقد بوده‌اند (دادز، ۲۰۰۰: ۵۹). امروزه، رشد جمعیت و پیشرفت فناوری موجب تقاضاهای فزاینده برای منابع می‌شود که باید برآورده شوند. وقتی تقاضاهای در حال گسترش کشورها در راستای هم باشد، الگوی «روابط ژئوپلیتیکی تعامل‌آمیز» میان کشورها شکل می‌گیرد. در حالی که وقتی که تقاضا بر روی منابع با هم تلاقی می‌کند نمی‌توان راه‌هایی مبتنی بر تعامل ژئوپلیتیکی یافت. بنابراین، «الگوی رابطه تنش‌آمیز» بروز می‌کند (اشلی، ۲۰۰۲: ۱۶۲). مؤلفه‌های جغرافیایی تأثیرگذار در مباحث ژئواکونومیک که بر روابط ژئوپلیتیکی کشورها بیشترین میزان اثر را دارد شامل «منابع زیرزمینی و فسیلی» و «وجود تنگه‌های بین‌المللی» است.

منابع زیرزمینی و فسیلی

وجود منابع زیرزمینی و منابع معدنی به شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی میان کشورهای برخوردار و کشورهای فاقد منابع اند منجر می‌شود. از منظر ژئوپلیتیک، چنین وضعیتی در وهله اول ناشی از محدودیت ذخایر نفت و گاز و همچنین عدم تناسب در پراکنش این ذخایر و بازارهای مصرف است. محدودیت‌های یادشده در کنار مصرف بیشتر و بالاتر کشورهای صنعتی و تأثیر این کالای استراتژیک بر چرخه‌های اقتصادی کشورها سبب تشدید اهمیت این ذخایر می‌شود. از سوی دیگر، امروزه قدرت‌های بزرگ دسترسی و کنترل حوزه‌های بزرگ تولید انرژی و مسیرهای انتقال آن را جزو اهداف ژئوپلیتیکی خود قرار داده‌اند (جیرجین، ۲۰۱۶: ۲۳-۲۴). این مسائل بیانگر اهمیت روزافزون مکان‌ها و فضاهای حاوی انرژی فسیلی در روابط ژئوپلیتیکی کشورهاست و بدیهی است هر اندازه مقدار ذخایر و پتانسیل پاسخ‌گویی این حوزه‌ها به نیاز روزافزون مراکز مصرف بیشتر باشد اهمیت آن‌ها دوچندان خواهد شد (هاینس، ۲۰۰۹: ۳۷). امروزه مسئله دسترسی به منابع انرژی و انتقال انرژی از مکان‌های برخوردار به مکان‌های نیازمند و بدون انرژی، کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی، تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای، و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی، جملگی، دارای ابعاد مکانی، فضایی، یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئواکونومیک مهمی در روابط ژئوپلیتیکی کشورها تبدیل می‌کند. در این میان، همکاری کشورها در بهره‌برداری از منابع انرژی مشترک فروش منابع انرژی زمینه‌ای برای الگوی روابط ژئوپلیتیکی تعامل‌آمیز میان کشورها محسوب می‌شود. در

نقطه مقابل کشمکش‌ها و اختلافات کشورها بر سر مالکیت جزایر اختلافات در بهره‌برداری از منابع انرژی در بسترهای مشترک مبنایی برای تعارضات ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود. در این مورد می‌توان به اختلافات کشورهای چین، تایوان، ویتنام، فیلیپین، برونی، و مالزی بر سر مالکیت جزایر اسپراتلی در دریای چین جنوبی به خاطر غنی بودن منابع انرژی در آن یک تقابل ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود. همچنین، رقابت کشورهای آرژانتین، استرالیا، بریتانیا، شیلی، فرانسه، نیوزلند، و نروژ بر سر حاکمیت قطب جنوب که دارای منابع هیدروکربنی است در زمره رقابت‌های ژئوپلیتیکی ناشی از بسترهای ژئواکونومیک است. همچنین، می‌توان گفت که رقابت‌ها بر سر انرژی در حوزه خلیج فارس، دریای خزر، و غرب اقیانوس آرام باعث پیدایش رقابت‌های ژئوپلیتیک میان آمریکا و ژاپن از یک طرف و روسیه و چین از طرف دیگر شده است (ناوون، ۲۰۱۰: ۹).

تنگه‌های بین‌المللی

با گسترش روزافزون تجارت دریایی، تنگه‌های مهم بین‌المللی به‌عنوان گلوگاه‌های استراتژیک جهان نقشی حیاتی در حمل‌ونقل دریایی ایفا می‌کنند (نامی و عباسی، ۱۳۸۹: ۴). بنابراین، این نقاط در تجارت جهانی نقش بسیار برجسته‌ای دارند و در حقیقت بخش بزرگی از رشد تجارت جهانی در گروهی بازبودن این تنگه‌هاست (دونا، ۲۰۱۵: ۳۵). و در صورت مسدودشدن این تنگه‌ها هزینه‌های اقتصادی حمل کالا مقرون‌به‌صرفه نخواهد بود. با توجه به اهمیت تنگه‌های بین‌المللی در تجارت جهانی و اهمیت استراتژیک و ارتباطی آن‌ها، امروزه، یکی از مؤلفه‌های مهم در روابط ژئوپلیتیکی کشورها تنگه‌های بین‌المللی است. در این مورد می‌توان به تنگه هرمز به‌عنوان مثال یک تنگه بین‌المللی توجه کرد. اهمیت استراتژیک تنگه هرمز به اهمیت ژئوپلیتیک آن منجر می‌شود و تنگه هرمز را در کانون رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی قرار می‌دهد. به نحوی که هر قدرتی که کنترل تنگه و جزایر پیرامون آن را در اختیار داشته باشد قادر است موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی را به نفع خود تغییر دهد. از سوی دیگر، این تنگه به‌عنوان تکیه‌گاه دفاعی شبه‌جزیره عربستان است. چنانچه بعد از بحران خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ هم برای قدرت بری هم برای قدرت بحری برای تقابل ژئوپلیتیکی با هم اهمیت ویژه‌ای دارد. تنگه هرمز، باب‌المندب، و کانال سوئز سه نقطه کنترلی و تکیه‌گاه دفاعی شبه‌جزیره عربستان‌اند؛ چنان‌که بعد از بحران خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ نیروهای دریایی آمریکا و غرب، به‌طور عمده، پیرامون سه نقطه مزبور آب‌های حائل بین آن‌ها مستقر شدند و شبه‌جزیره عربستان را در حصار گرفتند و بدین ترتیب توسعه و پیشروی عراق را مهار کردند (حلیم زمهریر، ۱۳۹۰: ۱۱۲). در نقطه مقابل تنگه‌ها می‌توانند عاملی برای تعامل ژئوپلیتیکی کشورها باشند؛ مثلاً، نزدیکی جغرافیایی ایران و عمان در تنگه هرمز، دورافتادگی جغرافیایی عمان از جهان عرب، و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی تنگه هرمز ایران و عمان را ملزم به داشتن روابط حسنه با یکدیگر کرده است. بر همین اساس و به‌رغم اینکه عمان همواره روابط نزدیکی با آمریکا داشته و به‌تازگی نیز روابط خود را با اسرائیل توسعه داده، این امر در روابط دوستانه ایران با آن کشور تأثیری نداشته است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۳۵).

۴. هیدروپلیتیک

بررسی همکاری‌ها و بحران‌های ناشی از کمبود منابع آب به‌صورت یکی از مباحث موردتوجه در جغرافیای سیاسی درآمده است و شاخه‌ای از علم جغرافیای سیاسی که به بررسی این موضوع می‌پردازد هیدروپلیتیک نامیده می‌شود. در رویکردهای مختلف درباره هیدروپلیتیک بر روی عواملی مانند تعامل و تنش، رقابت ژئوپلیتیکی، و بازیگری دولت‌ها و حضور در حوضه‌های آبریز بین‌المللی تأکید می‌شود (نیومن، ۲۰۰۶). درواقع، هیدروپلیتیک مطالعه سیستماتیک روابط

میان دولت‌ها، بازیگران غیردولتی، و سایر عناصر مانند نهادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درباره استفاده انحصاری از آب‌های بین‌المللی است. این تعریف بر موارد زیر تأکید دارد: ۱. بررسی روابط ژئوپلیتیکی متقابل میان دولت‌ها و بازیگران غیردولتی؛ ۲. تأکید بر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ ۳. تلاش در جهت استفاده انحصاری از آب؛ ۴. اعمال حاکمیت بر رودهایی که هم جنبه ملی دارند هم جنبه بین‌المللی (تورتن و هنوود، ۲۰۰۲: ۱۶). کمبود آب یا اجازه عبور آب از مرزهای بین‌المللی، به‌گونه‌ای روزافزون در روابط ژئوپلیتیکی کشورها با یکدیگر اثر می‌گذارد. امروزه آب، که آن را طلای آبی نامیده‌اند، در روابط ژئوپلیتیک در مقیاس منطقه‌ای و جهانی نقش بسیار مهمی دارد. این ماده حیاتی که ابزارهای رقابت ژئوپلیتیکی میان کشورهاست در آینده‌ای نزدیک، به‌ویژه بین کشورهایی که با کمبود آب روبرو هستند، می‌تواند به تنش ژئوپلیتیکی میان کشورها شود (کاپلان، ۱۹۹۴: ۱۹۰). مهم‌ترین زمینه‌های هیدروپلیتیک، که بر روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها تأثیرگذارند، عبارت‌اند از: «رودخانه‌های بین‌المللی»، «مرزهای دریایی مشترک»، و «عامل زیست‌محیطی».

رودخانه‌های بین‌المللی

نگاهی به نقشه جغرافیای سیاسی جهان حکایت از عدم تطابق مرزهای سیاسی با حوضه‌های آبریز رودخانه‌های بین‌المللی دارد؛ به‌نحوی که در حال حاضر بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان در مناطقی زندگی می‌کنند که حوضه آبریز بین دو یا چند کشور مشترک است و ۵۰ تا ۶۵ درصد از وسعت هر یک از قاره‌ها را حوضه‌های آبریز مشترک تشکیل می‌دهد. در حال حاضر تعداد ۲۶۳ رودخانه بین‌المللی بین دو یا چند کشور مشترک است که این حوضه‌های آبی مشترک منبع بیش از ۶۰ درصد آب آشامیدنی دنیاست (لوسرویتس، ۱۹۹۴: ۳). این رودخانه‌های بین‌المللی بستری هیدروپلیتیکی برای شکل‌گیری روابط میان کشورها هستند؛ به‌گونه‌ای که در بین ۲۶۳ رودخانه مرزی که تقریباً نیمی از جهان را پوشش می‌دهد، الگوی تعامل و همکاری بیشتر از تقابل و رویارویی بوده است (زرقانی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱). بنابراین، رودخانه‌های بین‌المللی به‌عنوان یک مؤلفه هیدروپلیتیکی بر روابط ژئوپلیتیکی کشورها تأثیرگذارند. نزاع بین ایران و عراق بر سر رودخانه مرزی اروندرود، نقش رودخانه نیل در روابط (مصر، اتیوپی، و سودان)، رودخانه اردن در روابط اسرائیل، لبنان و سوریه، دجله و فرات بر روابط عراق، سوریه و ترکیه مثال‌های کلاسیکی از تأثیر رودخانه‌های بین‌المللی بر روابط ژئوپلیتیکی کشورهاست. ایران دارای ۸۹ رودخانه مرزی است که شامل هفده رودخانه مشترک با کشورهای همجوار، چهار رودخانه ورودی، و شصت‌وهشت رودخانه خروجی است که این رودخانه‌ها به شکل‌گیری الگوهای روابط میان ایران و کشورهای پیرامون منجر می‌شود. وجود روابط مسالمت‌آمیز در نظام حقوقی رودخانه دانوب و نظام حقوقی دریایی سیاه هم مصداقی برای نقش رودخانه‌های بین‌المللی در روابط ژئوپلیتیکی میان کشورهاست.

مرزهای دریایی مشترک

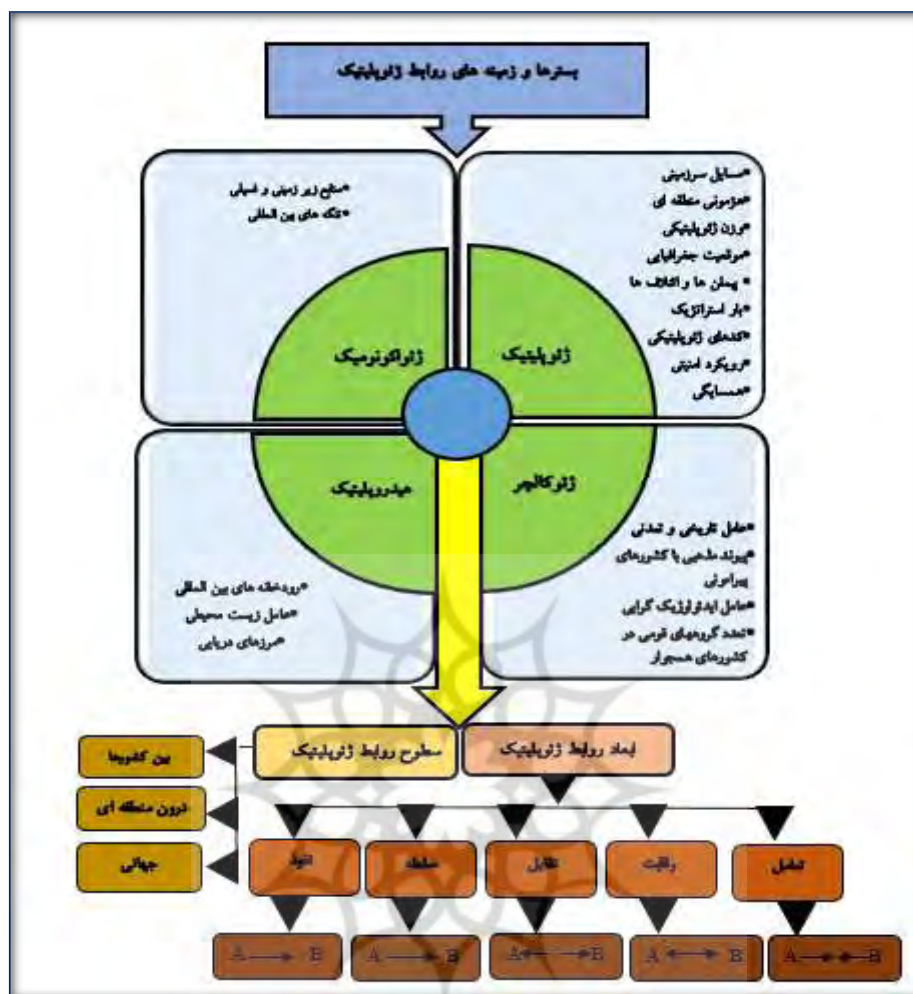
تعیین حدود قلمروهای دریایی با امنیت و اقتدار ملی کشورهای ساحلی ارتباط دارد و حضور هر کشور ساحلی در قلمروهای دریایی‌اش با منافع ملی آن ارتباط مستقیم دارد. بنابراین، تلاش کشورها برای تعیین مرز و قلمروهای دریایی از دیدگاه جغرافیایی سیاسی و حقوق بین‌الملل امری مشروع است (پرسکات، ۱۹۸۷: ۱۴). مرزهای دریایی مرزهایی هستند که قلمروهای دریایی (دریایی سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی، و آب‌های آزاد) فی‌مابین کشورها را از هم متمایز می‌کنند (وندانا و هندوود، ۲۰۰۲: ۱۷). در این راستا تعیین مرزهای دریایی فی‌مابین کشورها به شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها منجر می‌شود. گاهی کشورها برای تعیین مرزهای دریایی با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند و به ترسیم مرزهای دریایی اقدام می‌کنند. گاهی کشورها بر سر ترسیم مرز با یکدیگر به توافق نمی‌رسند و در این حالت مرزهای دریایی مبنایی برای شکل‌گیری الگوی روابط رقابت‌آمیز یا تنش‌آمیز میان کشورها می‌شود. مثلاً،

در این راستا در ترسیم مرزهای دریایی، دو کشور ایران و عربستان با یکدیگر تعامل ژئوپلیتیکی داشتند و بر اساس قرارداد ۱۹۶۸ دو کشور به ترسیم مرز دریایی با یکدیگر اقدام کردند و بر اساس این قرارداد جزیره فارسی به ایران و جزیره عربی به عربستان واگذار شد. از سوی دیگر، مرز دریایی فی‌مابین کشورها گاهی به شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز میان کشورها منجر می‌شود. مثلاً، اختلافات مرزی ایران و عراق و همچنین عراق و کویت در زمینه ترسیم مرزهای دریایی در شکل‌گیری تنش ژئوپلیتیکی میان ایران و عراق و همچنین عراق و کویت به‌عنوان یک مؤلفه مهم تأثیرگذار بوده است.

عامل زیست‌محیطی

امروزه توسعه بحران‌های زیست‌محیطی و تبعات آن مثل گرم‌شدن زمین، کاهش لایه ازن، کمبود آب شیرین، کمبود خاک مرغوب، بیابان‌زایی، آلودگی هوا، باران‌های اسیدی، انهدام زباله‌های سمی، جنگل‌زدایی، صدمه به تنوع زیست، و آلوده‌شدن دریاها (برادن و شلی، ۱۳۸۷) به شکل‌گیری الگوهای روابط ژئوپلیتیکی مثل تعامل و همکاری یا کشمکش بین گروه‌ها و انبای بشر و بازیگران سیاسی منجر شده است. در این راستا، مراقبت از محیط زیست نیز یکی از اصول مشخص جغرافیای سیاسی به‌شمار می‌رود و دلایل توجیه‌کننده گوناگونی وجود دارد که چرا باید حکومت‌ها و ملت‌ها از محیط زیست بیشتر مراقبت کنند. از جمله این دلایل می‌توان به بحران‌هایی در نواحی کلیدی و مهم جهان اشاره کرد که به‌طور فراوانی زمینه بروز خشونت‌های گروهی و تنش ژئوپلیتیکی بین کشورها را فراهم آورده است و گاهی اوقات فشارهایی پدید می‌آورد که به برانگیختن برخوردهای قومی، آشوب‌های شهری، و شورش‌ها کمک می‌کند. این خشونت‌ها بر منافع ملی کشورها به دلیل ایجاد بی‌ثباتی در روابط اقتصادی و تجاری، ایجاد بلاهای پیچیده انسانی و تحریک مهاجرت‌های بی‌رویه - که به اقدامات نظامی منجر می‌شود - تأثیر می‌گذارد (اتوتایل و همکاران، ۱۳۸۰: ۴۶۳). مسائل زیست‌محیطی دریاها را نیز به صورت‌های مختلف و به طبع آن مناطق مرزی دریایی نیز تحت تأثیر قرار داده است. در این میان، نگرانی‌ها در زمینه دریاها بسته یا نیمه‌بسته با توجه به حجم کوچک آب‌هایشان بیشتر است. عوامل متفاوتی از آلودگی محیط دریایی در مورد دریاها بسته و نیمه‌بسته وجود دارد. این عوامل شامل آلودگی ناشی از خشکی، آلودگی ناشی از کشتی‌ها، آلودگی ناشی از زباله، آلودگی پایگاه هوایی، آلودگی ناشی از اکتشاف و استخراج نفت خام و گاز، عبور و مرور کشتی‌های نفت‌کش و غیره می‌شود که در شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی تنش‌آمیز تأثیرگذارند. در این رابطه هومر و دیکسون بر آن‌اند که فرسایش لایه قابل کشاورزی، قطع درختان جنگلی، و نابودی آن‌ها و استفاده بیشتر از آب و مواردی از این قبیل به تنش ژئوپلیتیکی میان کشورها منجر می‌شود. علت این امر نیز آن است که همین منابع نیز اولاً نادر و کمیاب‌اند؛ ثانیاً برای استمرار حیات انسان ضروری‌اند؛ ثالثاً قابلیت کنترل فیزیکی را دارند (هومر و دیکسون، ۱۹۹۱: ۱۰۷). در این رابطه کاپلان، که در زمینه محیط زیست نظریه‌پرداز است، بر آن است که تأثیرات سیاسی و استراتژیک جمعیت‌های موج، پخش بیماری‌ها، جنگل‌زدایی و فرسایش خاک، تهی‌سازی منابع آب، آلودگی هوا، و احتمالاً بالآمدن سطح دریاها تا حالت بحرانی، مناطق دارای سرریز جمعیتی نظیر بنگلادش و دلتای نیل را دچار توسعه‌هایی که مهاجرت‌های توده‌ای را گسترش می‌دهد خواهد کرد و متقابلاً تنش‌های ژئوپلیتیکی را برخواهد انگیخت (کاپلان، ۱۹۹۴: ۵۸). بنابراین، اثر عامل زیست‌محیطی در قالب گرم‌شدن کره زمین، تغییرات اقلیمی، مهاجرت‌های اقلیمی، پناهنده‌های زیست‌محیطی، کمبود منابع آب آشامیدنی، و غیره در روابط ژئوپلیتیکی کشورها یک مؤلفه تأثیرگذار است. در این رابطه می‌توان به نقش تغییرات اقلیمی به‌عنوان یک مؤلفه زیست‌محیطی در مهاجرت از مناطق توسعه‌نیافته به مناطق توسعه‌یافته اشاره کرد. برای مثال، مهاجرت‌های اقلیمی و پناهنده‌های زیست‌محیطی از ویتنام به روسیه روابط

ژئوپلیتیک دو کشور را دچار تحول کرده است و بر روابط ژئوپلیتیک دو کشور تأثیرگذار بوده است (پیسمننا و همکاران، ۲۰۱۵).



شکل ۳. مدل پیشنهادی برای بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک
منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

ژئوپلیتیک علم روابط همکاری یا رقابت میان قدرت‌هاست بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد یا امکاناتی که در این راستا می‌توان از محیط جغرافیایی به‌دست آورد. آنچه حائز اهمیت است شناسایی زمینه‌هایی است که به شکل‌گیری روابط منجر می‌شوند. با مطالعه نظریه‌هایی که از سوی متخصصان رشته‌های جغرافیا، ژئوپلیتیک، علوم سیاسی، و روابط بین‌الملل در رابطه با عواملی که باعث شکل‌گیری روابط میان کشورها می‌شوند به این نتیجه می‌رسیم که هر یک از آن‌ها فقط به بیان بخشی از عواملی که می‌توانند به روابط ژئوپلیتیک میان کشورها منجر شوند پرداخته‌اند. به عبارتی، یک نگاه تک‌عاملی یا چندعاملی به این مسئله دارند. نتایج حاصل از مطالعه نظریه‌ها و رویکردها نشان می‌دهد که گروهی از اندیشمندان نگرشی هیدروپلیتیک بر روابط داشته‌اند، نظیر کاپلان، توماس هومر و دیکسون، جفری کمپ، دیوید هارکاو، و پیتر هاگت. گروهی دیگر بر ابعاد ژئوکالچر در روابط تأکید می‌کردند، نظیر ساموئل هانتینگتون، جان کالینز، و محمد خاتمی. برخی اندیشمندان بر ابعاد و زمینه‌های ژئواکونومیک در روابط تأکید می‌کردند،

نظیر ادوارد ان لوتواک، یوردی فون لوهازون، جفری کمپ، و جان کالینز. و نهایتاً گروهی از اندیشمندان بر ابعاد ژئوپلیتیک در روابط تأکید می‌کردند، نظیر مکیندر، اسپایکمن، ماهان، لوئیز ریچاردسن، برژینسکی، والراشتاین، و عزت‌الله عزتی. بر این اساس و از دید نگارندگان این مقاله، الگویی که قادر به تبیین بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک میان واحدهای سیاسی می‌شود باید به طور هم‌زمان متغیرهای مربوط به ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، هیدروپلیتیک، و ژئوکالچر را دربر بگیرد. در این میان هر کدام از این متغیرها دارای چندین عامل مهم‌اند. بدین صورت که بسترها و زمینه‌های ژئوکالچر (شامل تعدد گروه‌های قومی در کشورهای همجوار، پیوند مذهبی با کشورهای پیرامونی، عامل تاریخی و تمدنی، عامل ایدئولوژیک‌گرایی)، بسترها و زمینه‌های ژئوپلیتیک (شامل مسائل سرزمینی، موقعیت جغرافیایی، هژمونی منطقه‌ای، رویکرد امنیتی، وزن ژئوپلیتیکی، پیمان‌ها و ائتلاف‌ها، ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای، کدهای ژئوپلیتیک، همسایگی و تعداد همسایگان)، بسترها و زمینه‌های ژئواکونومیک (شامل منابع زیرزمینی و فسیلی و تنگه‌های بین‌المللی)، و بسترها و زمینه‌های هیدروپلیتیک (شامل رودخانه‌های بین‌المللی، مرزهای دریایی مشترک، و عامل زیست‌محیطی) است. این بسترها و زمینه‌ها مهم‌ترین بسترهای تأثیرگذار در روابط ژئوپلیتیکی‌اند که در راستای آن‌ها امکان مطالعه روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها در سه مقیاس بین کشورها (روابط ژئوپلیتیکی دو کشور با یکدیگر)، منطقه‌ای (روابط ژئوپلیتیکی کشورها در یک منطقه جغرافیایی)، و جهانی (روابط ژئوپلیتیکی کشورها با قدرت‌های برتر جهانی) وجود دارد.

سپاسگزاری

با توجه به اینکه پژوهش فوق مستخرج از رساله دکتری در دانشگاه تهران است، نگارندگان از معاونت پژوهشی دانشگاه تشکر و قدردانی می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. اتوتایل، ژناروید، ۱۳۸۰، *اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*، ترجمه محمدرضا حافظنیا و هاشم نصیری، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲. اطاعت، جواد، ۱۳۷۶، *ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران*، تهران: سفیر.
۳. اشلفی، مجید عباسی، ۱۳۹۰، *منطق رفتار سیاسی و روند اسلام‌گرایی در جامعه سیاسی عربستان*، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۵، ش ۲، صص ۴۷۵-۴۹۸.
۴. ایوانز، گراهام و نونام، جقزی، ۱۳۸۱، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسن شریقی، تهران: نشر میزان.
۵. برادن، کتلین و شلی، فرد، ۱۳۸۷، *ژئوپلیتیک فراگیر*، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی ستاد دوره عالی جنگ.
۶. بوزان، بری و ویور، الی، ۱۳۸۶، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. جعفری، امیرعلی، ۱۳۹۰، *رقابت برای کسب هژمونی و روابط تنش‌آلود ایران و عربستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۸. جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۸۹، *چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. جونز، مارتین، ۱۳۸۶، *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه زهرا پیشگاهی‌فرد و رسول اکبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: پاپلی.
۱۱. حسین‌پور پویان، حسین، ۱۳۹۰، *تبیین روابط ژئوپلیتیک در مناطق مطالعه موردی: شبه‌قاره هند*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. حسین‌پور پویان، حسین، ۱۳۹۲، *تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط در مناطق ژئوپلیتیکی*، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، س ۹، ش ۲، صص ۱۱۳-۱۳۵.
۱۳. حلیم زمهریر، ابوالفضل، ۱۳۹۰، *تضاد منافع ایران و آمریکا در انرژی خلیج فارس*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. دوتروئی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، ۱۳۸۳، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
۱۵. رفیع، حسین، ۱۳۹۴، *تاثیر نفوذ وهابیت در پاکستان بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، زمستان، س ۸، ش ۳۲، صص ۱۴۰-۱۵۸.
۱۶. روشندل، جلیل، ۱۳۸۷، *تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس*، تهران: مرکز مطالعات خاورمیانه.
۱۷. زرقانی، سیدهادی و صالح‌آبادی، ریحانه، ۱۳۹۲، *مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی*، مجموعه مقالات *اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا*.
۱۸. قربانی‌نژاد، ریاض، ۱۳۹۲، *الگویابی سرچشمه‌های ژئوپلیتیکی تنش در روابط کشورها (مطالعه موردی: آسیای جنوب غربی)*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۹. قوام، سیدعبدالعلی، ۱۳۸۴، *روابط بین‌الملل: نظریه و رویکردها*، تهران: سمت.
۲۰. لشکری تفرشی، احسان، ۱۳۹۱، *تبیین نظری مفهوم مکان‌ها و مناطق استراتژیک*، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
۲۱. مورگنتا، هانس. جی، ۱۳۷۴، *سیاست میان‌ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، مشهد: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۲. نامی، محمدحسن و عباسی، علیرضا، ۱۳۸۹، *ماهواره‌ها، عامل برتری کشورها در آینده*، مجموعه مقالات *چهارمین کنگره ملی انجمن ژئوپلیتیک ایران*، اسفند ۱۳۸۹، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. نصرتی، شهریار، ۱۳۹۵، *تدوین استراتژی همگرایی ایران با کشورهای پیرامونی در قرن بیست و یکم با رویکرد صلح پایدار*، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۲۴. واعظی، محمود، ۱۳۸۶، *ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
۲۵. وایت، بریایان و مایکل و لیتل، ریچارد، ۱۳۸۱، *مسائل سیاست جهان*، ترجمه سیدمحمدکمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
۲۶. هاگت، پیتر، ۱۳۸۲، *جغرافیا، ترکیبی نو*، ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد، تهران: سمت.

27. Ototile, Jarwid, 2001, *Geopolitical Thoughts in the Twentieth Century*, translated by Mohammad Reza Hafez Nia and Hashem Nasiri, Tehran, Office of Political and International Studies.
28. Etaat, Javad, 1997, *Geopolitics and Foreign Policy of Iran*, Tehran: Sefir.
29. Ashlafi, Majid Abbasi, 2011, *The Logic of Political Behavior and the Trend of Islamism in the Saudi Political Society*, Foreign Policy Quarterly, Vol. 25, No. 2, pp. 475-498
30. Evans, Graham and Nonnam, Jageri, 2002, *Culture of International Relations*, translated by Homeyra Moshirzadeh and Hassan Shariqi. Tehran: Mizan Publication.
31. Braden, Kathleen and Shelley, Fard, 2008, *Inclusive Geopolitics*, translated by Alireza Farshchi and Hamid Reza Rahnama. Tehran: Higher War Command Staff Publication.
32. Bozan, Barry and Weaver, Ellie, ۲۰۰۷, *A New Framework for Security Analysis*, translated by Alireza Tayeb, Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications.
33. Jafari, Amir Ali, 2011, *Competition for hegemony and strained Iran-Saudi relations*, M.Sc., University of Tehran.
34. Jafari Valdani, Asghar, 2010, *Challenges and Conflicts in the Middle East*, Tehran: Research Institute for Strategic Studies.
35. Jones, Martin, 2007, *Introduction to Political Geography*, translated by Zahra Pishgahi-Fard and Rasoul Akbari, Tehran, University of Tehran Press.
36. HafezNia, Mohammad Reza, 2006, *Principles and Concepts of Geopolitics*, Mashhad: Papoli.
37. Hosseinpour Pouyan, Hossein, 2011, *Explaining Geopolitical Relations in Case Study Areas: Indian Subcontinent*, PhD Thesis, Tarbiat Modares University.
38. Hosseinpour Pouyan, Hossein, 2013, Explaining the Geographical and Geopolitical Components of Geopolitical Relations, *Geopolitics Quarterly*, Ninth Year, No. 2.
39. Halim Zemahir, Abolfazl, 2011, *The Conflict of Interest between Iran and America in the Gulf Energy*. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center.
40. Dotroei, James and Faltzgraf, Robert, 2004, *Conflicting Theories in International Relations*, translated by Vahid Bozorgi and Alireza Tayeb, Tehran: Qoms Publishing.
41. Rafi, Hussein, 2015, *The Impact of Wahhabism in Pakistan on the Relations of this Country with the Islamic Republic of Iran*, Quarterly Journal of International Relations Studies, Winter, Vol. 8, No. 32, pp. 140-158.
42. Roshandel, Jalil, 2008, *Structural Conflicts in the Persian Gulf*, Tehran: Middle East Studies Center
43. Zarghani, Seyed Hadi and Salehabadi, Reyhaneh, 2013, Introduction to Recognition of International Borders, *Proceedings of the First National Conference on Geopolitics of Southwest Asia*.
44. Ghorbani Nejad, Ribbaz, 2013, *Modeling Geopolitical Sources of Stress in Country Relations (Case Study: Southwest Asia)*, PhD Thesis, Tarbiat Modares University.
45. Qavam, Seyyed Abdul Ali, 2005, *International Relations: Theory and Approaches*, Tehran: Samt publications.
46. Lashkari Tafreshi, Ehsan, 2012, *Theoretical explanation of the concept of places and strategic areas*, treatise of Dr. Tarbiat Modares University.
47. Morgenthau, Hans. Jay, 1995, *Politics of Intermediaries*, translated by Homeira Moshirzadeh, Mashhad: Office of Political and International Studies.
48. Nami, Mohammad Hassan and Abbasi, Alireza, 2010, "atellites, a factor in the superiority of countries in the future, *Proceedings of the Fourth National Congress of the Iranian Geopolitical Association*, March 2011, Tarbiat Modares University.
49. Nosrati, Shahriar, 2016, *Development of Iran's Convergence Strategy with the Surrounding Countries in the Twenty-First Century with a Sustainable Peace Approach*, PhD Thesis, Islamic Azad University, Science and Research Branch.
50. Vaezi, Mahmood, 2007, *The Geopolitics of Crisis in Central Asia and the Caucasus*, Tehran: Publications Office of the Department of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs.
51. White, Brian, Michael and Little, Richard, 2002, *World Politics Issues*", translated by Seyed Mohammad Kamal Sarvarian, Tehran: Research Institute for Nonprofit Strategic Studies.
52. Haggitt, Peter, 2003, *Geography, New Combination*, translated by Shapoor Goodarzi Nejad, Samat Publications.

53. Agnew, Jhon, 2013, *Geopolitics: Re-visioning World Politics*. second ed., London: Routledge.
54. Ashley, R., 2000, *The Political Economy of War and Peace*, London: Francis Pinter.
55. Beckinsale, R.P, 1969, Rivers as political boundaries, *Water, Earth and Man Magazine*. London: No. 40, PP. 972-981
56. Blacksell, M., 2006, *Political Geography*, Routledge.
57. Braden, K. E. and Shelley, F., 2000, *Engaging Geopolitics*, England: Person Education Limited.
58. Braumoeller, B., 2007, *Statistics and Deadly Quarrels*. The Ohio State University Department of Political Science. *Political Science*, 848.
59. Cholley, A., 2002, *Guide de l'Étudiant en Géographie*. Paris: Presses Universitaires de France.
60. Clapsa, K., 2016, *Man, The State, and War*, New York: Columbia University Press.
61. Cohen, S.B., 2010, Geopolitics of the World System, *Encyclopædia Britannica Online*.
62. Cohen, S.B., 2014, Geopolitics of the World System, *Encyclopædia Britannica Online*.
63. Coogan, Tim Pat, 1996, *The Troubles: Ireland's Ordeal 1966-1996*. Boulder, CO: Roberts Rinehart.
64. Collins, J., 1998, *Military Geography*, Washington: Brassey.
65. Coogan, T., 1996, *The Troubles: Ireland's Ordeal 1966-1996*. Boulder, CO: Roberts Rinehart
66. Deutsch, K., 1957, *Political Community and the North Atlantic Area*.
67. Dodds, K., 2000, *Geopolitical in a Changing World*, England: Pearson Education Limited.
68. Doncand, Anne Green, 2004, *Hydropolitics in the Middle East*, " Strategic Review 21, no. 2; england. plgrave macmill.
69. Donna, N., 2015, *Sea lane security and u.s maritime trade: cheakpoint as scare resorce*, institute for national strategic studied, chapter
70. Dugin, A., 1997, *Foundations of Geopolitics: The Geopolitical Future of Russia*. Moscow: Arctogaia.
71. Gaddis, J. L., 1982, *Startegies of Containment: A Critical Appraisal of Postwar American National Security Policy*, New York: Oxford University Press.
72. Garfinkle, A., 2015, *The Geopolitical Frame in the Contemporary Middle East*, Published for the Foreign Policy Research Institute by Elsevier Ltd, July 14, P. 533.
73. Garnett, J., 1987, Defense Policy Making, in John Baylis and others, *Contemporary Strategy II*, Holmes & Meier, New York.
74. Girgin, Dogan, 2016, Analyzing of the Geopolitical Energy Confrontation in the Caucasus: Role of Iran, After Sanctions Were Lifted, *International Journal of Humanities and Social Science Invention*.
75. Griffiths, M.; O'Callaghan, T. and C. Roach, S. 2002, *International Relations, the Key Concepts*, Second Edition. London and New York: Routledge.
76. Haye, B., 2002, *Statistics Of Deadly Quarrdes*. Durham: American Scientist, Vol. 9.
77. Haynes, P., 2009, *Al – Qaede, oil dependence and u.s forign policy; chapter three in security and global politics*, London: Routledge.
78. Huntington, Samuel, 1993, The Clash of Civilization?, *Foreign Affairs*, Vol. 72, No. 3.
79. Kaplan, R., 1994, *The coming Anarchy*. Atlantic Monthly, February 1994. PP. 45-76
80. Kemp, Geoffrey and Harkavy, Robert, 1997, *Strategic Geography and the Changing*. Publisher: Carnegie Endowment for International Peace
81. Levkov, S. and Makarenko, A., 2017, *Geopolitical Relations in post ussr Europe as a subject of Mathematical modeling and control*, London, UK.
82. Lipest, Seymour Martin, 1991, *Political Man: The Social Bases of Politics*.
83. Lszewits, Terry, 1994, *The earth summit: Are there any security Implications?*. Arms.
84. Mackinder, H.J., 2004, The Geographical Pivot of History (1904), *The Geographical Journal*, London, Vol. 170, No. 4.
85. Martin Jones, Rhys Jones and Michael Woods., 2004, *An Introduction to Political Geography: Space, Place and Politics*, London: Routledge.
86. Mearsheimer, Jhon , 2001, *The Tragedy of Great Power Politics*. New York, London: Norton&Company.
87. Morgan, M. P., 1997, Regional Security Complexes and Regional Orders, *Regional Orders: Building Security in a New World* edited by Patrick M. Morgan and David A Lake, Pennsylvania: The Pennsylvania State University Press.

88. Navon, Kenneth Neal., 2010, *Theory of international politics*, The University of Michian.
89. Neuman, L., 2006, *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*, London: Allyn and Bacon.
90. Nieburg, H. L., 1996, *Political Violence. The Behavioural Process*. Medford, OR, U.S.A Publisher: St. Martins Press
91. Parker, Geoffrey., 2016, *The Geopolitics of Domination*, Pulication by Routledge.
92. Petsinger, Marianne, 2016, *Geoeconomics Fellow in the US and Americas Programme at Chatham House*.
93. Pismennaye Elena, karabulatova Irina and Sergey Manishan Roman, 2015, Impact of Climate Change on Migration from Vietnam to Russia as a Factor of Transformation of Geopolitical Relations, *Mediterranean Journal of Social Sciences*, MCSER Publishing, Rome-Italy.
94. Prescott, J.R.V., 1987, *The Geography of frontiers and boundaries*. New Jersey, Pub: Taylor & Francis
95. Rosamond, Ben., 2000, *Theories of European Integration*, London: Macmillan Press LTD.
96. Scholvin, Soren., 2016, *An Overview Of Concepts And Empirical Examples From International Relations*, Institute of Economic and Cultural Geography, University of Hanover.
97. Soilen, Klaus Solberg, 2012, *Geoeconomics*, London. Publisher Bookboon. 61.
98. Taylor, P. J. and Flint, C., 2000, *Political Geography: World - economy, Nation - states and Locality*, (fourth editioned.), London: Pearson Education.
99. Taylor, P., 1993, *Geopolitical World Orders*. In P. Taylor, J (Ed.), *Political Geography of the Twentieth Centur*, London: Balhaven Press.
100. Vandana ,Turton, and Henwood,wiley, 2002, *Water Wars: Privatization, Pollution, and Profit*. Cambridge. MA. Publisher: South End Press. 158 pages
101. Valeriano, B., 2012, *Becoming rivals: the process of rivalry development*, In: Vasquez, J.A. (ed) *What Do We Know About War?* (2nd ed). Rowman and Littlefield, Lanham, MD.
102. Valeriano, Brandon, 2003, *The Steps To Rivilary:Power Politics And Rivilary Formation*, PhD Dissertation, Vanderbilt University, Nashville, Tennessee, United States.
103. Barent, Imber , 1998, *The Environment and International Relations*. London: Routledge
104. Homer-Dixon, Thomas, 1991, *On the threshold: Environmental changes as causes of acute conflict*. *International Security*, 16(2). P:76-116
105. [www.bp.com/statistical review](http://www.bp.com/statistical-review) 2018.
106. www.britannica.com/ Encyclopedia Britannica 2018.
107. www.merriam-webster2019.com